



## بررسی سیر تحول فرهنگی و سیاسی ایلام از آغاز تا فروپاشی

پدیدآورده (ها) : درخششی، حسن؛ بااحمدی، حسین

علوم اجتماعی :: پژوهش های علوم انسانی :: مرداد 1392، سال چهارم- شماره 20

از 181 تا 220

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/976480>

دانلود شده توسط : محمد شریفی

تاریخ دانلود : 26/10/1394

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تالیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابراین، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [فوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

[www.noormags.ir](http://www.noormags.ir)

پژوهش های علوم انسانی دانشگاه اصفهان  
سال چهارم، شماره ی بیستم، مرداد ۱۳۹۲، صص ۲۲۰-۱۸۱

## بررسی سیر تحول فرهنگی و سیاسی ایلام از آغاز تا فروپاشی

دکتر حسن درخشی\*، حسین با احمدی\*\*

چکیده:

سرزمین ایلام از دیرباز به عنوان پلی از دوره پیش از تاریخ به دوره تاریخی شناخته شده است. شاید بتوان حکومت ۲۰۰۰ ساله ایلامیان را برگی زرین از تمدن کشور ایران و پیش قراولی جهت شکل گیری تمدنهای بزرگ بعدی از جمله هخامنشیان دانست، شیوه حکومت داری و ضبط و ثبت مدارک بنا بر اسنادی که از تخت جمشید به دست آمده است همگی به زبان ایلامی نگاشته شده که این خود گواه تمدن باشکوه مردمان این سرزمین می باشد. ایلام بنا بر اصل همجواری با تمدن بین النهرین تأثیرات فراوانی را از آن تمدن بزرگ کسب نموده است و همانطوری که می دانیم سالیان درازی بویژه قبل از شکل گیری تمدن بزرگ ایلام این سرزمین زیر نفوذ بین النهرینی ها بوده است و حتی برخی آنرا تحت عنوان بین النهرین بزرگ یاد می کنند. به طور کلی ایلامیان در تمام سیر تحولی تمدن خود هر چه که از خود داشتند را با تمدن بین النهرین آمیخته و تمدن با شکوه و مستقلی را شکل دادند که از بسیاری جهات حایز اهمیت می باشد. که ما در این مقاله به گوشه هایی از این تمدن باشکوه می پردازیم.

واژگان کلیدی: ایلام، بین النهرین، چشم انداز جغرافیایی، فرهنگی، سیاسی

darakhsh@yahoo.com

hosbab@yahoo.com

\* دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شوشتر، گروه باستان شناسی، شوشتر، ایران

\*\* کارشناس ارشد تاریخ ایران باستان دانشگاه آزاد شوشتر

مقدمه:

ایلام باستان برگ زرینی در تاریخ ایران می باشد، اگرچه آثاری که از این تمدن بدست آمده بسیار اندک می باشد و فصلهای خاموش زیادی در این تمدن دیده می شود، که باستان شناسان در پی یافتن آنها هستند، البته به طور کلی تمدن ایلام سه دوره تاریخی را در بر می گیرد «۱» ایلام قدیم: که در این دوران ایلام در اکثر اوقات تقریباً زیر نظر اکدی ها بود تا جایی که حتی خط و زبان اکدی در پاره ای از ایلام رواج داشت «۲» ایلام میانه: که دوره طلایی تمدن ایلام به شمار می رود و ایلام در این دوران توانست به طور کلی از وابستگی به بین النهرین بیرون آید و حتی در مقاطعی بابل و آشور را مطیع خود کند بویژه در دوران فرمانروایی شیلهاگ این شوشیناک که توانست امپراطوری خود را تا بیشترین حد ممکن برساند «۳» ایلام جدید: در این دوران شاهزادگان ایلام برای رسیدن به قدرت با یکدیگر در نزاع بودند و همین امر باعث شد تا هرج و مرج در ایلام روز به روز بیشتر شده و موجب تضعیف حکومت شود. تا اینکه بالاخره در دوران پادشاهی آشور بانی پال، ایلام به کلی از صحنه روزگار محو شد. البته باید گفت اگرچه ساختار سیاسی ایلام از بین رفت ولی مردم آن بعدها زیر نظر امپراطوری هخامنشی توانستند مرزهای ایران را گسترش داده و حکومت واحدی را تشکیل دهند.

موقعیت جغرافیایی دشت خوزستان :

سرزمین ایران یکی از کهن ترین مهدهای تمدنی بر این کره خاکی است. مناطق وسیع این سرزمین با کوههای بلند، دشت ها و بیابانها پوشیده شده است اما افزون بر این نواحی بایر نواحی زیادی با شرایط آرمانی برای کشاورزی و دامداری نیز یافت می شوند. طبق شواهد باستان شناختی از ۹۰۰۰ سال ق.م یکی از نخستین زیستگاههای ایران در جنوب غربی ایران جایی که خوزستان نامیده می شود شکل گرفت، و این خطه بی شک در گذر زمان در شکل گیری و روند تکامل خط نقش تعیین کننده ای داشته، همچنین در ایجاد شهرهای

بررسی سیر تحول فرهنگی و سیاسی ایلام از آغاز تا فروپاشی ۱۸۳

و امپراطوریهای بزرگ، (ماری کخ، ۱۳۷۹) ما در این تحقیق به یکی از بزرگترین تمدنهای بشری یعنی ایلام می پردازیم؛ خوزستان در جنوب باختری ایران و عرض جغرافیایی ۳۰ درجه تا ۳۳ درجه شمالی و به طول ۴۸ تا ۵۱ درجه شرقی است که از شمال به کوههای لرستان و از شرق به کوههای زاگرس و از ناحیه مغرب به عراق و از جنوب به خلیج فارس منتهی می شود از این سرزمین همیشه به عنوان گهواره تمدن ایلام نام برده شده است. (تقی زاده، ۱۳۸۱: ۱۸) این دشت حاصلخیز از تمامی رسوبات و شعبی که رودخانه کارون ایجاد کرده است تشکیل شده است، اعراب این رودخانه را دجیل یعنی کوچک می نامند تا اینکه با نهر دجله که در عراق روان است اشتباه گرفته نشود کلمه خوزستان به معنی کشور خوزها است که به صورتهای خوز و هوز هم نوشته می شده است. (لسترنج، ۱۳۷۳: ۲۵۰) استان خوزستان از نظر ناهمواری به دو منطقه تقسیم می شود. (الف) منطقه کوهستانی در شمال و شرق خوزستان: این کوهستانها جزء بخش جنوبی زاگرس غربی هستند که در ارتفاعات به تدریج به سمت جلگه کاهش یافته و به وسیله رودخانه قطع می شود (ب) منطقه جلگه ای و ارتفاعات داخلی: قسمت جلگه ای خوزستان بین دامنه های شمالی و شمال شرقی مرز ایران و عراق بین جبل حمزین و مصب اروندرود - خلیج فارس قرار دارد تنها ارتفاعات داخلی خوزستان شامل یک رشته ارتفاعات پست و تپه - هایی است که در مرکز خوزستان واقع شده است بررسی دقیق آثار باستانی دشت خوزستان نشان می دهد که این دشت پر آوازه از دورانهای پیش از تاریخ تا دورانهای تاریخی آثار ارزشمندی را در خود نهفته دارد که به صورت تپه های باستانی در گوشه و کنار این دشت پراکنده و مسیر رشد و اعتلای جامعه روزگاران کهن را نشان می دهد. (افشار سیستانی، ۱۳۶۹: ۲۶- ۲۵) می توان گفت که در حدود ده هزار سال پیش ساکنان دشت خوزستان زندگی نیمه کوچ نشینی خود را رها کرده و یکجانشین شده اند از این دوران بود که اولین استقرارهای کشاورزی در این دشت شکل گرفت اوج گسترش و شکوفایی

فرهنگ و تمدن منطقه به هزاره چهارم و عمده آن به هزاره سوم ق. م اختصاص دارد در این دوره ساکنان دشت موفق به ابداع خط- مهرهای استوانه ای - چرخ سفالگری و دیگر وسایلی که راحتی بشر را تضمین می کرد شدند و اولین شکل حکومتها در این منطقه شکل گرفت که این امر مهم با مرکزیت شوش به عنوان مهد تمدن ایلام انجام شد، شوش از ابتدا به عنوان مرکزی جهت مبادلات تجاری و بازرگانی با همسایگان به خصوص بین النهرین بدل گشت و نقش مهمی را در شکل گیری تمدن بشری بر عهده گرفت که طبق بررسی که در نقاط مختلف دشت شوشان انجام گرفت از سال ۶۰۰۰ تا ۳۵۰۰ ق. م ۱۳۰ منطقه استقرار در این منطقه وجود داشته است که ۱۱۶ محل آن در دوران شوش (A) یعنی ۳۸۰۰ ق. م مسکونی بوده است. (مجید زاده، ۱۳۸۶: ۹۶)

#### موقعیت جغرافیایی ایلام باستان:

در روزگاران قدیم ایلام به سرزمینی گفته می شد که از طرف مغرب به رود دجله و از طرف شرق قسمتی از پارس و از سمت شمال به بابل و راهی که به همدان می رفت و از سمت جنوب به خلیج فارس و لیان (بوشهر) منتهی می شد سرزمینهای ایلام به ترتیب خوزستان- لرستان- پشت کوه و کوههای بختیاری را شامل می شد و شهرهای مهم آن شوش و انشان بودند. (پیرنیا و آشتیانی، ۱۳۸۲: ۳۰) در مورد اصل و سرچشمه تمدن ایلام و مرکز اصلی آن نظریات زیادی ارائه شده است ولی براساس مدارک و آثاری که از بین النهرین بدست آمده است دانشمندان قریب به اتفاق به این نظریه عقیده دارند که ساکنان ایلام در ابتدا در سرزمین کوهستانی ساکن بوده اند و دلیل این امر هم به خاطر این است که معنی سرزمین ایلام به زبان اکدی سرزمین بلند است. (jacobsen, 1939:82) ساکنان بین النهرین سرزمینی را که در شرق آنها قرار داشت الامتو یا الام یعنی کوهستان و شاید کشور طلوع خورشید یعنی شرق می گفتند. (افشار سیستانی، ۱۳۷۲: ۱۰۹) ولی خود ایلامیها سرزمین خودشان را هلتامتی یا هتامتی می نوشتند و آن را التامت تلفظ می کردند که

احتمالاً این کلمه به معنی سرزمین خدا بوده است. (مجید زاده، ۱۳۸۶: ۵) البته باید قبول کرد که چون کشور ایلام در شرق بین النهرین قرار دارد بنابراین، این تصور که ارتفاعات مشرف بر دشت خوزستان یعنی سرزمینهای بلند و کوهستانی می تواند محل اصلی سرزمین ایلام و ایلامیان باشد درست است. (Olmsted, 1959: 31) دولت باستانی ایلام در مجموعه های جغرافیایی و سیاسی مختلفی که نام برخی از آنها در متون میان رودان آمده است گسترش یافته است این دولت جز دو پایتخت اصلی خود یعنی شوش و انشان سرزمینهای دیگری همچون اریکو که در سواحل خلیج فارس قرار داشته نواحی مرتفع هم مرز با میان رودان - سرزمینهای لولوبیها و دشت بهبهان که سوزیانا را به فارس مرتبط می کرده را در بر می گرفته است که البته باید گفت احتمال می رود ایلامیان در طی هزاره سوم و بخشی از هزاره دوم ق. م سعی داشتند در تمامی فلات ایران، دشتهای کرمانشاه و کنگاور و سرزمین بختیاری تا هلیل رود کرمان را زیر چتر اقتصادی - سیاسی خویش ببرند که خیلی وسیع تر از آناتولی و بین النهرین می شد این مناطق کم و بیش منطبق با نفوذ فرهنگ شوش C در حدود سالهای ۳۰۰۰ ق. م بوده و شاخصه اصلی آن هم وجود لوحه های آغاز ایلامی است (سید سجادی، ۱۳۸۷: ج ۲، ۳۴۵). در مورد محدوده و وسعت ایلام نظرات مختلفی بیان شده است اما آنچه مسلم است وسعت و گستره این تمدن در ادوار مختلف بنابر شرایط سیاسی حاکم فرق می کرده است (مهرآفرین، ۱۳۷۵: ۵) با اینکه در فلات ایران در اواخر هزاره چهارم و ابتدای هزاره سوم هیچ تمدن شهری و مکتوب بر پایه الگوی تمدن بین النهرین ظاهر نشد ولی این نوع تمدن در خوزستان پدید آمد که به این تمدن ایلام گفته می شد همانطور که گفتیم ایلام از خوزستان کنونی بزرگتر بوده است و نوعی حکومت فدرال در آن حاکم بود. نظام موروثی و تقسیم قدرت بین ایلامیان وابستگی تام به شکل حکومتی آنها داشت شکل عادی و معمولی قدرت آنها حاکمیت یک فرمانروا بر شاهدگان فرودست بود این فرمانروا در ایلام اولیه حکومت ایلام در شوش زندگی می کرد و شوش

در واقع پایتخت فدرال آنها حساب می شد در کنار او برادر او که از نظر سنی به او نزدیک تر بود حکومت می کرد (انجمن ایرانشناسی فرانسه در ایران، ۱۳۸۰: ۱۰-۹) پیدا شدن خطوط میخی به زبانهای سومری- اکدی و ایلامی نشان داد که ایلام فدراسیونی از دولت- شهرهای اوان- سیماشکی، انشان و شوش بوده است که در این تقسیم بندی شوش به عنوان پایتخت تمدن ایلام، انشان و سیماشکی را در مناطق کوهستانی خاور و اوان را درست در شمال پایتخت قرار می داد. در سال ۱۹۶۴ والترهینز (تصویر ۱). با گذاشتن سیماشکی در پیرامون خرم آباد کنونی سرزمین تحت فرمانروایی ایلام را گسترش بیشتری داد ولی با کشف شهر انشان در نزدیکی شیراز پیر آمیه تقسیم بندی جدیدی را عرضه داشت (تصویر ۲). که در آن ایلام از سه دولت شهر تشکیل شده بود- دشت شوشان در غرب، خود ایلام که شامل سیماشکی و اوان بود در مرکز و سرزمین انشان در شرق با این تقسیم بندی می توان احتمال داد که اوان و سیماشکی بین شوشان و انشان قرار داشتند یعنی ناحیه ای که در آن کشور هلتامتی یا به عبارتی ایلام قرار داشت یکی از اسنادی که شوش، انشان و ایلام را از هم مجزا می کند کتیبه ای است که در سده دوازدهم ق.م شیلهاگ این شوشیناک در آن خود را شاه شوش و انشان و در جای دیگر خود را شاه شوش، انشان و ایلام می خواند سرانجام این گوناگونی بین شوش و ایلام در مهرهای استوانه ای گودآ کاملاً هویدا می شود در این مهرها پادشاه لاگاش بین شوشهای شوش و ایلامیهای ایلام تفاوت قائل شده است افزون بر این در همان کتیبه گودآ به روشنی انشان را در ایلام قرار داده است. (والا، ۱۳۷۳: ۲۵۱-۲۵۰) البته تاکنون سندی به دست نیامده است که آگاهی دقیقی برای تعیین موقعیت جغرافیایی سیماشکی بدهد اما مجموعه فرضیاتی، مانند لقبهای دوران سوکل مخها که حکومت از سوی قدرت برتر بین دو سوکل یعنی سوکل شوش و ایلام و سیماشکی تقسیم می شد این القاب واقعیتهای جغرافیایی را نیز نشان می دهد به عبارت دیگر سیماشکی باید هم چون ایلام متعلق به قسمت خاوری

کنفدراسیون باشد. با توجه به این نقطه نظر می توان از قرار دادن آن بین شوش و انشان صرفنظر کرد زیرا در جاده ای که این دو شهر را به هم پیوند می دهد خوخنور(هوهنور) قرار گرفته که قفل انشان یا قفل ایلام نامیده می شود. بنابراین می توان نظر داد که سیماشکی در خاور ایلام در استان کرمان کنونی باشد(تصویر ۳). البته باید یادآور شد که نامهایی که پادشاهان سلسله سوکل مخها داشتند به گویش ایلامی بوده اند در ضمن چنانچه بین شوش و ایلام تفاوت قایل شویم باید قبیله (سو) را همان شوشیها بدانیم (والا، ۱۳۷۳: ۲۵۶-۲۵۵) موقعیت جغرافیایی انشان (انزان) به صورت کامل توسط کتیبه های باستانی پادشاهان سوزیانا توضیح داده شده است که خودشان را شاه انشان و شوش نامیده اند چنانچه بقایای آنها تا لیان درکنار سواحل خلیج فارس کشیده شده است و یکی از این دلایل به دست آمدن کتیبه ای است که در این ناحیه کشف گردیده است و کاتبان سلطنتی به خودشان لقب شاهان انزان را داده اند. (Potts, 2011:35-41) اما طبق مطالعات جدید به نظر می رسد که شوشان در ایلام قرار ندارد و یکی از دلایل مهم این است که در واژه شناسی بین النهرین ایلام با (NIM) مشخص می شود که معنی بالا و مرتفع را می دهد و نمی تواند با سرزمین شوشان که در سفلی سرزمین قرار داشته یکی باشد یکی دیگر از دلایل سنگ نوشته ها و خطوطی است که از الواح اکدی و ایلامی بدست آمده است. در بسیاری از متون دوران اور III به سرزمین شوش و ایلام اشاره شده است این مغایرت در نام ایلام و شوش در عهد سوکل مخها یعنی وقتی قدرت بین سوکلها که قبلاً گفتیم تقسیم می شد. و همچنین در دوران شوتریکی ها از یک طرف (شوشان) و انشان را دو شهر و از طرفی شوشین و ایلام دو سرزمین بوده اند که روبروی هم قرار گرفته اند. (والا، ۱۳۷۶: ۱۸۹-۱۸۸) در مورد نژاد بومیان ایلام هم عقاید گوناگونی وجود دارد عده ای معتقداند که ساکنان اولیه این کشور حبشی بوده اند که این نژاد در کنار سواحل خلیج فارس تا هندوستان گسترده بودند و سومریها هم از همین نژاد منشعب شده اند از طرفداران این



نظریه می توان به دیولافوا، دومرگان و سرپرسی سایکس اشاره کرد عده ای هم ساکنان اولیه ایلام را مردمی شبه سیاه می دانند که با درآویدی های هندوستان نسبت داشته اند آنان در واقع این بومیان را از نژاد مدیترانه ای به حساب می آورند گروه سوم هم ساکنان اولیه ایلام را از نژاد آسیایی یا آریایی دانسته که به هیچ یک از نژادهای هند و اروپایی و سامی تعلق ندارند. (جوزی، ۱۳۷۲: ۱۲) به گفته ویلیام کنت لافتوس اولین کاوشگر شوش یکی از پادشاهانی که نام وی هم در شوش یافت شده است و هم بر روی بناهای باستانی موجود در کرانه شرقی خلیج فارس مشاهده شده، تر حک (tirhak) می باشد این اسم دقیقاً مشابه یکی از شاهزادگان اتیوپیایی به نام تر حکه (tirhakak) است که طبق نوشته کتاب مقدس، با سناخریب جنگیده است و از این جهت می توان گفت که به احتمال شوش مقرر کوشانیهای (cushites) بوده است. (لافتوس، ۱۳۸۴: ۷۸) در پایان باید گفت علاوه بر شهرهای اوان، شوش، انشان و سیماش شهرهای دیگری همچون مرهشی - توکریش - بشیم - هیدالو و مدکتو وجود داشتند که نقش مهمی در تاریخ ایلام ایفا کردند که صحبت درباره آنها از دایره تحقیق، خارج است و تحقیقی مفصل را می طلبد.

#### تاریخ سیاسی ایلام باستان:

از اولین حکومتی که در ایلام به وجود آمده است اطلاع موثقی در دست نیست ایلامیها از اواخر هزاره چهارم ق. م تا حدود ۶۴۴ ق. م در منطقه جنوب غرب ایران به حکومت پرداخته اند در این مدت بسیار طولانی حکومتهای معروفی مانند اوان، سیماش، اپارت، ایکهالگی، شوتروکها و ایلام جدید توانستند پادشاهی کنند. (صراف، ۱۳۸۷: ۸) در این مدت پادشاهان ۱- اوان از ۲۶۷۰ تا ۲۲۰۰ ق. م ۲- پادشاهان سیماش ۲۱۰۰ ق. م تا ۱۸۵۰ ق. م ۳- اپارتی ۱۸۳۰ ق. م تا ۱۵۰۵ ق. م ۴- ایکهالگی ۱۳۵۰ تا ۱۲۱۰ ق. م ۵- شوتروکی ها ۱۲۵۰ تا ۱۱۱۰ ق. م ۶- ایلام جدید ۷۶۰ تا ۶۴۰ یا ۶۴۴ بر ایلام حکومت می کردند. (کابلی، ۱۳۷۳: ۱۲۳) همانطوری که مشاهده می کنیم بین سلسله اوان و سیماش،

بررسی سیر تحول فرهنگی و سیاسی ایلام از آغاز تا فروپاشی ۱۸۹

اپارتی و ایکهالگی و شوتروکی و ایلام جدید سه دوره خاموش وجود دارد که کار تحقیق درباره تاریخ سیاسی ایلام را مشکل می سازد. با این وجود در اینجا به اختصار درباره تاریخ ایلام بحث می کنیم.

سلسله اوان: (۲۶۷۰ تا ۲۲۰۰ ق.م)

تا پیش از آمدن مادها و پارسها یعنی تا حدود یک هزار سال ق.م تاریخ سرزمین ایران را می توان منحصر به تاریخ ایلام دانست و از روی منابع اکدی این موضوع به خوبی آشکار است کهن ترین منبعی که در آن نام ایلام به چشم می خورد مربوط به قرن ۲۷ ق.م می- باشد که در آن فهرستی از شاهان سومری آمده است ان میرگیسی پادشاه نیمه افسانه‌ای سلسله اول کیش به ایلام لشکر کشید و غنایم بسیاری را به چنگ آورد همچنین در این زمینه می‌توان به هجوم گیلگمش جانشین ان میرگیسی به ایلام و سرزمینهای مجاور آن اشاره کرد البته باید دانست که برخورد ایلام و بین النهرین گاهی اوقات هم با پیروزی ایلام همراه بوده است. (مجیدزاده، ۱۳۸۶: ۶) در حدود بین سالهای ۲۶۰۰ تا ۲۵۵۰ ق.م شهر اور به وسیله یکی از سلاطین مقتدر ایلام به نام کورشیاک که به احتمال زیاد از سلسله اوان بود شکست خورد و این شهر سومری به تصرف ایلامی ها در آمد همچنین در تاریخ سومریها آمده است که در حدود سال ۲۵۵۰ ق.م حاکم شهر کیش توانسته کشور خود را از چنگال ایلام رهایی بخشد که خود نشان از قدرت ایلام در این برهه از تاریخ دارد. (jacobsen, 1939: 95) در زمان سارگن اکدی، به صورت روشن تری از تاریخ ایلام اطلاعات در دست داریم سارگن با حمله به کوهستانهای زاگرس توانست برای مدتی خطر یورش به مناطق بین النهرین را از بین ببرد و بر مردم سو *su* غلبه کند طبق اطلاعاتی که از کتیبه سارگن به دست می دهد در سال ۲۲۸۸ ق.م (لوایشین) یکی از نوادگان پلی که هشتمین فرمانروای اوان لقب گرفته بر ایلام حکومت می کرد. مهمترین نتیجه ای که از ترجمه این کتیبه حاصل می شود این است که ایلام با همسایه غربی خود مرهشی اتحادی

را تشکیل می دهد که تا ۸۰۰ سال تاریخ بعدی ایلام پابرجاست سارگن در این کتیبه اعلام می کند که با رضایت تمام، حکمرانان شکست خورده را بار دیگر به صورت دست نشانده به حکومت می گماشت بخش عمده این کتیبه را فهرست شهرهای فتح شده تشکیل می دهد و نام شوش و اوان هم در بین آنها به چشم می خورد چیزی که در اینجا باید گفت اینکه آیا سارگن شخصاً به شوش آمده یا خیر زیرا بخشهایی از این کتیبه پاک شده و شاید هم در دوران ایلام میانه که کتیبه به شوش آورده شده پادشاهان ایلام میانه اقدام به پاک کردن آن کرده اند (Hinz, 1963:6) براساس کتیبه دوم سارگن پس از (لواشین) فرزند او هیشپ راتپ به حکومت ایلام رسید هنگامی که ریموش فرزند سارگن در سال (۲۲۷۰-۲۲۷۸) به حکومت رسید، ایلام و مرهشی باز هم متحد شده و از فرصت استفاده کردند و توانستند استقلال خود را دوباره به دست آورند سومین متحد منطقه زهر با نایب السطنه ای به نام (اونگی) بود این منطقه در شمال غرب ایلام و مرهشی در پیرامون ایلام امروزی واقع است. (مجید زاده، ۱۳۸۶:۷) بعد از ریموش برادرش (مانیشوسو) به حکومت رسید که بعد از پیروزی بر مناطق کوهستانی و دشت پادشاه ایلام را اسیر کرده و به بابل فرستاد و با قسمت دیگر سپاه خویش به نواحی جنوبی و خلیج فارس حمله ور شد و ۳۲ شهر را تصرف کرد و غنایم زیادی از جمله فلزات و سنگهای قیمتی از خلیج فارس به بابل برده شد. (Cameron, 1936:31) اما براساس فهرست شاهان ایلامی در فاصله زمامداری این پدر و پسر شخصی به نام (کیکو-سیو-تمتی) به حکومت ایلام رسیده است که می توان طبق منابع موجود آنها را برادر دانست که یکی پس از دیگری بر تخت سلطنت آوان تکیه زده اند از پادشاهان دیگر سلسله آوان که قبل از کوتیک اینشوشیناک بر تخت سلطنت تکیه زده اند می توان از اپیرمویی-اشپوم و هیت نام برد. کوتیک اینشوشیناک آخرین پادشاه سلسله آوان لقب گرفته است اوج قدرت کوتیک اینشوشیناک به احتمال در سال ۲۲۰۷ ق.م بوده است که در کتیبه ای او خود را شاه توانای آوان لقب داده است و در سنگ

بررسی سیر تحول فرهنگی و سیاسی ایلام از آغاز تا فروپاشی ۱۹۱

یادمان ادعا داشته است که اینشوشیناک نسبت به او نظر محبت آمیز داشته و چهار گوشه جهان را به او داده است پادشاهی او ان بعد از شکوه و عظمت کوتیک اینشوشیناک همچون امپراطوری اکد از هم پاشید(تصویر ۴)،(مجید زاده، ۱۳۸۶: ۹)

سلسله سیماش: (۲۱۰۰ تا ۱۸۵۰ ق.م)

قدرت و شکوه دوباره ایلام بعد از او ان با روی کار آمدن سیماشکی به وجود آمد در پایان هزاره سوم ق.م در ایلام نوعی انقلاب فرهنگی رخ داد که طی آن سیماشکی متمایل به شرق شد و همین تمایل باعث شد که قلمرو ایلام گسترش پیدا کرده و اقتدار سیاسی و نظامی ایلام به اوج خود برسد. سیماشکی یکبار دیگر ایلام را از زیر سلطه بین النهرین آزاد کرد و یکی از پادشاهان این سلسله به نام هوتران - تمتی توانست سلسله اور را براندازد (۲۰۰۵ ق.م) طبق نوشته ها همچون دوره قبل (او ان) ۱۲ تن در این دوره بر ایلام حکومت راندند لذا نظامهایی که بعدها از اصول پادشاهی ایلامیان گشت در این دوره قوام یافت. لازم به ذکر است که یکی از پادشاهان این سلسله به نام ایندو- این- شوشیناک (۱۹۷۰ تا ۱۹۴۵ ق.م) در زمان حیات خویش پسرش را در حکومت سهیم کرد و او را به عنوان شاه شوش منصوب کرد او نخستین شاه ایلامی بود که عنوان شاه سیماشکی و ایلام را به کار برد و این عنوان مقدمه ای بود برای استفاده نامهای مرکب دوتایی برای پادشاهان ایلام (ملکزاده، ۱۳۷۳: ۱۷۹) به هر صورت ایلام در دوره پادشاهان سیماش توانست به زندگی مستقلانه خود ادامه دهد. تا اینکه بالاخره اور بدست حاکمانی توانمند مانند شولگی و ایشیبی ارا از ایسین و ناپلانوم از لارسا افتاد در این دوره دوباره ایلام خراجگذار بین النهرین شد و شوش به تصرف میان رودان درآمد بعد از سقوط ایلام ایشیبی ارا دختر خویش را به عقد نایب السلطنه ایلام یعنی (هوت تمتی) درآورد که احتمالاً پسر هوتران تمتی فاتح اور باشد. (Edzard, 1957:50) پادشاهان سیماشکی به ندرت از خود آثاری بر جای گذاشتند. شاید به این علت که در سیماش زندگی می کردند نه در شوش و در تمام

دوره گوتیها که در حدود سال ۲۱۱۹ ق.م به پایان رسید حدود یک قرن از ایلام نامی نبود و فقط در کتیبه گودآ حاکم لاگاش بیان شده است که بر انشان واقع در ایلام پیروز شده است. (Barton, 1929: 184) و در نوشته ای روی یک مهر ادعا می کند که شوشیها از شوش و ایلام به نزد او آمدند تا معبد نین - گیرسو خدای حامی شهر لاگاش را بسازند (تصویر ۵)، (Scheil, 1931: 104)

سلسله سوکل مخ ها (اپرتی ها) : (۱۸۳۰ تا ۱۵۰۵ ق.م)

بعد از سلسله سیماش سلسله ای در ایلام پا به عرصه وجود گذاشت که درباره آن اطلاعات زیادی موجود نمی باشد حاکمان این سلسله خود را (خدا، پیامبر پدر و شاه) می خواندند این حکومت به صورت ملوک الطوایفی اداره می شد به این صورت که حاکمی بلند پایه در راس هرم قرار داشت و تعدادی از شاهزادگان زیر پرچم او بودند و در کنار این فرمانروا نایب السطنه ای قرار داشت که وارث او بود البته این جانشین برادرش بود نه پسرش محل استقرار این نماینده بزرگ در شوش بود و نایب السطنه او به عنوان سوکل (ایلام و سیماش) فعالیت می کرد سومین عامل حکومت ایلام در این دوره سوکل شوش بود که در تمام جلگه شوش حکومت می کرد. اصل کلی این بود که فرزند ارشد رئیس اتحادیه پادشاه شوش باشد بنابراین فرمانروایی در این دوران به دست گروه سه نفری پدر - پسر و برادر پدر بود. درباره اصل و منشاء خانواده اپارتی و شخص اپارت همه منابع سکوت اختیار کرده اند این سکوت نشانگر آن است که او یک غاصب بوده است و حکومت را به ارث نبرده است منابع مهمترین عنوان را که برای او به کار برده اند این است که او یکی از فرماندهان موفق دوران سیماش بوده است و مهمترین عنوان او پادشاه شوش و انشان بوده است او در حدود سال ۱۸۳۰ ق.م و بعد از چند سالی تکیه بر تخت درگذشت بعد از او پسرش شیلپه به پادشاهی رسید و پس از او عنوان پر افتخار شاه انشان و شوش در متون فرمانروایان ایلام حذف می شود ظاهراً او نتوانست قدرتی را که پدرش

بررسی سیر تحول فرهنگی و سیاسی ایلام از آغاز تا فروپاشی ۱۹۳

به وجود آورده بود حفظ کند چهره سومی که باید در آغاز سلسله اپرتی از او نام برد دختر اوست که از نام او اطلاعی نیست او به عنوان خواهر شیله مقام جد مادری سلسله را به خود اختصاص داد و در روزگار بعد تنها کسانی را شایسته رسیدن به مقام پادشاهی می- دانستند که از نسل او بودند و در متون به عنوان مادر مهربان از او نام برده شده است شیله در سال ۱۸۳۰ ق.م پس از نشستن بر تخت پادشاهی به دلیل نداشتن فرزند ذکور خواهر زاده خود (ات- هوشو) را شاهزاده شوش کرد او در اواخر عمر خود دو معبد یکی برای الهه نروندی و دیگری برای الهه پینکیر بر پا داشت همچنین او دستور ساخت بنای سنگ یادمان عدالت را داد که به احتمال نرخ کالاهای اساسی را در آن ثبت می کردند بعد از ات- هوشو (شیرکدو) به مقام سلطنت رسید و خود را خواهر زاده شیله معرفی کرد. از دیگر پادشاهان اپرتی می توان از کوتیر ناهونته- کوک نشور اول و کوتیر شیله اول نام برد (تصویر ۶). (مجید زاده، ۱۳۸۶: ۱۸-۱۳)

سلسله ایکی هالکی: (۱۳۵۰ تا ۱۲۱۰ ق.م)

منابع محلی متعلق به دوران جدید تر اشاره به موسس یک سلسله در سرزمین ایلام به نام ایکی هالکی در سال ۱۳۲۰ ق.م می کند از آنجا که فهرست شاهانه سلسله جدید از این شخص به نام پدر دو پادشاه بعدی یاد می کند او احتمالاً رئیس قبیله بوده و اصلاً شاه نشده است و شاید هم در مال امیر امروزی حکومت می کرده است. (Labat, 1963: 6-7) به هر حال بنیانگذار واقعی این سلسله پهر- ایشین یکی از فرزندان ایکی هالکی بوده است وی به احتمال در زمان فرمانروایی نزی مروتش پادشاه کاسی بابل (۱۲۹۸ - ۱۳۲۳ ق.م) حکومت می کرده است او از خود نوشته ای بر جای نگذاشته است ولی منابع از پادشاهی او در منطقه ای به نام (آیتک) خبر می دهند بعد از او اترکیته در ایلام به پادشاهی رسید که بنابر نوشته ای در چغازنبیل که بعدها اونتاش گال بر روی آن نوشته ای را ثبت کرد می توان پسر ایکی هالکی دانست (Carter, 1971: 184) بعد از اترکیته (هومبان نومنا) پسر او

بر تخت سلطنت نشست که می توان از آن پس را دوران تجدید حیات ایلام نام برد بعد از هومبان نومنا، اونتاش گال پادشاه قدرتمند ایلام و خالق چغازنبیل قدرت را به دست گرفت او در ۲۰ سال پادشاهی پر عظمت خود توانست ایلام را به یکی از بزرگترین قدرتهای سیاسی - اقتصادی و فرهنگی آن روز تبدیل کند. (نگهبان، ۱۳۷۲: ۵۱۱) براساس متون اکدی یافت شده و همزمانی پادشاهان بین النهرین با اونتاش گال، جرج کامرون تاریخ های ۱۲۶۵-۱۲۴۵ ق.م را برای اونتاش گال پیشنهاد می کند در صورتیکه والتر هینز حکمرانی این پادشاه را سالهای ۱۲۷۵-۱۲۴۰ ق.م می داند (استو و والا، ۱۳۶۹: ۱۴۸) در آخر باید گفت که شکوه و عظمت سلسله ایکی هالکی با وفات اونتاش گال به پایان رسید تا اینکه این سلسله در زمان پادشاهی کیدین هوتران منقرض شد.

سلسله شوتروکیها: (۱۲۰۵ تا ۱۱۱۰ ق.م)

پس از انقراض سلسله ایکی هالکی سلسله ای موسوم به شوتروکیها روی کار آمد با ناپدید شدن کیدین هوتران اوضاع داخلی ایلام دستخوش هرج و مرج و ناآرامی داخلی قرار گرفت منابع محلی از شخصی به نام هلوتوش اینشوشیناک نه به عنوان جانشین کیدین هوتران بلکه به عنوان پدر شوتریک ناهوتته نام برده اند و هیچ منبعی به نسبت خانوادگی کیدین هوتران و شوتروک ناهوتته اشاره نکرده است. (مجید زاده، ۱۳۸۶: ۲۲) سلطنت شوتروک ناهوتته در حدود سال ۱۱۶۰ ق.م پس از یک دوره ناآرامی داخلی و در نیمه دوم دوره میانی شروع شد که بنیانگذار واقعی سلسله جدید بود. (انجمن ایرانشناسی فرانسه در ایران، ۱۳۸۰: ۱۲) در این جا این موضوع مهم است که با پادشاهی شوتروک ناهوتته یکی از با شکوه ترین دورانهای تاریخ ایلام آغاز می گردد و در طول این دوران که تقریباً ۷۰ سال طول کشید ۵ پادشاه بر تخت سلطنت تکیه زدند که عبارتند از شوتریک ناهوتته - کوتیر ناهوتته - شیلهاگ اینشوشیناک - هلوتوش اینشوشیناک و شلیهین - همر - لکمر. (همان، ۲۲) طی سده های پایانی هزاره دوم ق.م ایلامیها به یکی از قدرتهای سیاسی خاور

بررسی سیر تحول فرهنگی و سیاسی ایلام از آغاز تا فروپاشی ۱۹۵

نزدیک تبدیل شده بودند آنان پیروز مندانه به شهرهای مهم بین النهرین تاختند و سلسله کاسیها را منقرض ساختند فرمانروایان امپراطوری ایلام میانه در کتیبه های به دست آمده از شوش خود را شاه شوش و انشان خواندند که خود گواهی بر گستردگی این سرزمین در این دوران می باشد. (کارتز، ۱۳۷۲: ۴۹-۵۵) این امپراطوری در دوران سلطنت شوتروک ناهوتته اول در راس سپاهی به بابل تاخت و آخرین پادشاه کاسی را مغلوب کرد و مجسمه مردوک آخرین پادشاه بابل را با خود به شوش آورد. همچنین در زمان شیلهاگ این شوشیناک ایلام، کرکوک را هم تصرف کرد و بدین صورت بود که تمام سلسله جبال زاگرس و دره دجله و بیشتر سواحل خلیج فارس به دست ایلامیها افتاد (تصویر ۷). (گیرشمن، ۱۳۸۳: ۵۶-۵۷)

ایلام جدید: (۷۶۰ تا ۶۴۰ یا ۶۴۴ ق.م)

بعد از فروپاشی سلسله شوتروکی ها ایلام یک بار دیگر به واسطه ویرانی که نبوکد نزار بر ایلام وارد کرد در هاله ای از ابهام فرو رفت تا اینکه در سال ۸۱۴ ق.م و یا به قولی ۸۱۲ ق.م ایلام برای حمایت از پادشاه بابل سپاهی را به کمک مردوک - پلسو ایینی به جنگ با شمشی ادد پنجم فرستاد آشوریها در این جنگ پیروز شدند و قسمتهایی از ایلام به تاراج رفت و ارتفاعات زاگرس و شمال خوزستان همگی به دست آشوریها افتاد بعد از این دوران دوباره به یک دوران سکوت در تاریخ ایلام برمی خوریم تا اینکه در سده هشتم ق.م به اطلاعات زیادی در منابع بابلی و ایلامی دست پیدا می کنیم در این ایام بعضی از منابع نام ۵ پادشاه و برخی نام ۱۵ پادشاه را ذکر کرده اند (منابع ایلامی ۵ پادشاه و منابع بابلی ۱۵ پادشاه) به روایت یکی از متون بابلی در سال ۷۲۰ ق.م هومبان نیکش اول به کمک مردوک - ایل - ادین دوم یکی از مدعیان قدرت در بابل سپاهی به جنگ با آشوریان که در آن زمان سارگون دوم پادشاه آنان بود فرستاد البته در مورد پیروزیهای آنها اختلاف نظر وجود دارد. منابع آشوری خبر از پیروزی سارگون می دهند. ولی سالنامه بابلی از



پیروزی قوای ایلام خبر می دهد و می گوید که این پیروزی فقط باید به نام پادشاه ایلام ثبت شود. (چرا) چون وقتی بابلیان به صحنه نبرد رسیدند جنگ تمام شده بود بعد از هومبان نیکش اول شوتریک ناهوته دوم به پادشاهی رسید و خود را شاه انشان و شوش نامید در زمان این پادشاه سارگون یک بار دیگر به مرزهای ایلام حمله ور شد و در این جنگ پادشاه ایلام فرار کرد و بعد از آن سارگون به طرف بابل حرکت کرد و مردوک-پل-ادین را به جنگ فراخواند او هم هدایایی نزد شوتریک ناهوته فرستاد ولی پادشاه ایلام با اینکه هدایا را گرفت ولی به او کمک نکرد بدین ترتیب بود که او به پناهگاهی در مرز ایلام و بابل فرار کرد و سارگون توانست بابل را فتح کند یکی از جنگهایی که در این ایام بین آشور و ایلام رخ داد حمایت پادشاه ایلام از پسر حاکم الیبی بود که وفات یافته بود که به دلیل اینکه آشوریان پسر دیگر او را به تخت نشاندند جنگ بین آنها در گرفت ایلام در این جنگ شکست خورد. همچنین در زمان سناخریب (۶۸۱-۷۰۴ ق.م) یک بار دیگر مردوک-پل-ادین دوم مدعی سلطنت شد و شوتریک ناهوته به کمک او شتافت ولی سناخریب هر دوی آنها را شکست داد و پسر خودش را پادشاه بابل کرد بعد از شوتریک ناهوته بردارش هلوشو اینشوشیناک به تخت ایلام نشست در آن زمان آشور سرگرم از بین بردن آخرین استحکامات مردوک-پل-ادین بود و هلوشو هم از این موقعیت استفاده کرد و به بابل لشکرکشی کرد و پادشاه بابل اسیر شده به ایلام اعزام شد (پسر سناخریب) و یکی از متحدان ایلام به سلطنت بابل نشست تا اینکه در سال (۶۹۳ ق.م) آشوریان یک بار دیگر به بابل و ایلام حمله کردند و شمال ایلام را با خاک یکسان نمودند همین امر باعث شد تا هلوشو اینشوشیناک به قتل رسیده و کوتیر ناهوته به جای او پادشاه ایلام شود او پایتخت خود را به علت نداشتن امنیت از شوش به ماداکتو و پس از مدتی به هایدالو منقل کرد. ولی چیزی که مشخص است در زمان کوتیر ناهوته ایلام در شرایط سختی قرار گرفت و سناخریب در همین دوران بود که ایلام را فتح کرد و کوتیر ناهوته را دستگیر و

بررسی سیر تحول فرهنگی و سیاسی ایلام از آغاز تا فروپاشی ۱۹۷

بعد از دو سال اعدام کرد. بعد از او هومبان نیمین (۶۸۹-۶۹۲ ق.م) به پادشاهی رسید او به جمع آوری سپاه پرداخت و سپاهی را به کمک شاه بابل در خلوله فرستاد که تمام آن سپاه را سرداران ایلامی رهبری می کردند به گفته خود آشوریها آنها در جنگ پیروز شده اند و به گفته اسناد بابلی ایلامیها. البته باید بگویم که چند سال بعد در سال ۶۸۹ ق.م آشور به پیروزی رسید و بابل را ویران کرد. (مجید زاده، ۱۳۸۶: ۳۰-۲۸) سناخریب در این مورد گزارشی دارد و می گوید: در هشتمین لشکرکشی ام به بابل وقتی که بابلیها فهمیدند خیلی ترسیدند آنها گنج‌های خانه‌ی آسا نگلیلا (معبد مردوک در بابل) را گشودند، طلا و نقره و جواهر بسیار بر گرفتند و برای هومبان نیمین شاه ایلام پیغام فرستادند که برای یاری ما به بابل بیا و ما را حمایت کن اما شاه ایلام که ابلهی بی شعور و نفهم بود هدایا را گرفت. (هینز، ۱۳۸۶: ۱۶۹) هومبان نیمین بعد از شکست از آشور در گذشت و به جای او هومبان هلتنش اول پادشاه شد او روابط دوستانه ای با بابلیان داشت. در زمان او بود که پیکره خدایان به بابل (اوروک) باز گردانده شد. وقتی که او درگذشت هومبان هلتنش دوم به تخت سلطنت ایلام نشست. در آن روزگار آشور دچار جنگ داخلی در بین شاهزادگان بود و بابل می خواست که با متحد شدن با ایلام علیه آشور قیام کند. ولی هومبان هلتنش دوم قبول نکرد و حتی یکی از یاغیان بابلی را به قتل رسانید. (۶۸۰ ق.م) این رابطه دوستانه در زمان آسارهادون پسر سناخریب گسترش پیدا کرد. تا اینکه در سال ۶۷۵ ق.م هومبان هلتنش به سپار حمله کرد و آنجا را غارت نمود. بعد از این حمله هومبان هلتنش دوم بدون هیچ بیماری قبلی به طور مرموزی در گذشت (تصویر ۸).

ایلام در زمان آشور بانی پال:

سندی که از منابع بابلی به دست آمده است می گوید که جانشین هومبان هلتنش دوم بردارش اورتک (اورتکی) بوده است. البته ما هیچ نوشته ای از او و اقدامات او نداریم. زیرا در زمان او که همزمان با پادشاهی آسارهادون می باشد، ظاهراً میان ایلام و آشور رابطه-

ای دوستانه حکم فرما بوده است لذا باید بدانیم که در زمان همین پادشاه بود که بیکره تمام خدایان بابل از ایلام به بین النهرین باز پس فرستاده شد و این دوستی تا جایی گسترش پیدا کرد که در زمان آشور بانی پال این پادشاه برای قحطی در ایلام گندم و کمک فرستاد این رابطه دوستانه با حمله اورتک به بابل و دفاع آشور از بابل به پایان رسیده و رو به سردی رفت و اورتک بعد از همین جنگ بود که وفات یافت. (مجید زاده، ۱۳۸۶: ۳۱-۳۰) در هنگام قحطی در ایلام که حتی سگی هم برای خوردن وجود نداشت مردم ایلام به آشور رفتند تا اینکه کشت و کار در ایلام سامان گیرد و این حاصل پیمانی بود که اورتک با پدر آشوربانی پال بسته بود. (پاتس، ۱۳۸۵: ۴۲۹) از نظر یک ایلامی که در سالهای ۶۶۸ ق.م زندگی می کرده است تقسیم امپراطوری در آشور بین دو بردار در ذهن اورتک این را تداعی می کرد که آشوربها دچار ضعف شده اند. با اینکه اورتک در سالهای پیشین طرفدار آشور بود در حال حاضر می کوشید تا موجودیت خود را تثبیت کند. (کامرون، ۱۳۸۱: ۱۴۱) آشور بانی پال درباره کمک به ایلام می نویسد (هنگامی که روزگار سختی ایلام فرا رسیده بود و گرسنگی همه جا را فراگرفته بود من برایش (اورتکی) غله فرستادم تا مردمش از پای در نیابند من او را پشتیبانی کردم. از مردم او کسانی را که از روزگار سخت فرار کرده و در آشور ساکن شده بودند تا دوباره باران بیارد و محصول به بار آید نزد او فرستادم، من هرگز در دلم حمله به ایلام را گمان نمی کردم و هرگز به دشمنی با ایلام نیندیشیده بودم. (هینز، ۱۳۸۶: ۱۷۲) برای مدت ۱۰ سال پس از مرگ اورتک سپاه آشور در مرزهای غربی باقی ماند و در طول این زمان حکومت ایلام به دست تپتی هومبان (ت اومان) یکی از پسران شلیهاگ ایشوشیناک دوم افتاد او با قتل عام مدعیان سلطنت توانست پایه های حکومت خود را مستحکم کند در این راستا سه تن از فرزندان اورتک از ترس جان خود به آشور پناهنده شدند. (koing, 1925: 79-85) روی هم رفته ۶۰ شاهزاده اعم از زن و مرد به آشوربانی پناهنده شدند و (ت اومان) که در زبان آشوری یعنی تجسم شیطان، پیک های

خود هومبان - تهره و نبو دمیق خواجه را پیش آشوربانی پال فرستاد تا آنها را تحویل دهد ولی او قبول نکرد و به آنها پناه داد در چند سالی که آشور سرگرم جنگ در آسیای صغیر و سوریه بود ت - اومان موفق شد که فرمانروایی خودش را استحکام بخشد. او از پیروزی خود براقوام شرور که احتمالاً از پارسیان بوده اند سخن به میان آورده و به پیروزی خود بر مردم للریپ احساس غرور می کند. آشور بانی پال می نویسد ((ت اومان بد اندیش بود پس ایزد ماه بر او بلا خواست در آن زمان بلایی بر ت - اومان نازل شد لب هایش فلج شد و دو چشمش به هم پیچید و در وسط جمع شد. با این همه آشور بانی پال اذعان می کند که ت - اومان با وجود این حمله که ظاهراً صرع بوده است از دادن فرمان بسیج به سپاه ایلام باز نماند. در ماه آب - اوت ۶۵۳ هنگامی که من در اربلا (اربیل) به سر می بردم خبر حرکت سپاه ایلام را به من دادند)). وقتی که ت - اومان دانست که در این جنگ شکست خورده است به همراه پسرش تاماریتو گریخت و در نخلستان پنهان شد. ولی بر اثر حادثه ای ارابه شاهی شکست و بر روی شاه افتاد. ناگهان ت - اومان به پسرش گفت که تیر بیندازد. پسر از خشم و ناراحتی پیراهن خود را پاره کرد و به پدرش گفت که راست بایست و تسلیم نشو. در این هنگام آشوریان سر رسیدند و تاماریتو را کشتند و سرت - اومان را به دربار آشور بردند. آشور بانی پال در این باره می گوید: ((سرت اومان شاه ایلام را جنگجویان من با شتاب آوردند و آنرا مقابل دروازه آشور در نینوا جلوی چرخهای من انداختند با دشنه هایم پی های صورت او را بردیم و بر سر آنها تف انداختم نبو دمیق و هومبان تهره بلند پایگانی که ت اومان با پیامی وقیحانه فرستاده بود به خاطر خشمی که به سرورشان داشتم نگه داشتم اینک مقابل من سرت اومان سرور خود را می دیدند که پیش من آورده بودند. ناامیدی وجودشان را فرا گرفت هومبان تهره ریشش را کند و نبو دمیق دشنه ی آهنینش را بر تن خود فرو کرد. اما من آشور بانی پال شاه آشور شاد و خرم با سر بریده ی ت اومان به نینوا بازگشتم و آن را رویروی دروازه شهر به تماشای عموم

گذاشتم (هینز، ۱۳۸۶: ۱۷۶-۱۷۳) در جایی آمده است که زمانی که آشور بانی پال مشغول جنگ با پسامتیک پادشاه مصر بود در ایلام هم همزمان نبرد می کرد. آشور بانی پال مصر را رها کرد و نظر خودش را به ایلام معطوف ساخت. ت اومان که شش یا هفت سالی بود که تاج و تخت سلطنت را از اورتک غصب کرده بود. به کمک گمبلوهای غدار دست به حمله زد و ایلامیها در این جنگ عقب رانده شدند و شکست خوردند و در کنار رودخانه اولای (کرخه) ت- اومان کشته شد که در بالا شرح آن را دادیم. (رو، ۱۳۸۱: ۳۶۷) یک سردار ایلامی به نام بابلی مردوک- شوم- ابنی دسیسه ای بر علیه آشور بانی پال رهبری کرد که در آن یکی از سرکردگان آشور یعنی گامبولی شرکت داشت. همچنین تبتی هومبان اصرار داشت که مردم بطایح فرمانروایی پیر خود را رها کرده و از کسی که طرفدار ایلام است پیروی کنند ولی آنها این کار را نکردند و در همین هنگام بود که به تلافی نپذیرفتن این خواسته پلهای آنها را آتش زدند. (کامرون، ۱۳۸۱: ۱۴۲) آشور بانی پال بعد از کشته شدن ت اومان یکی از پسران اورتک به نام هومیان نیکش دوم را به حکومت مداکتو و تاماریتو را به حکومت هیدالو منصوب کرد. ولی دیری نپائید که آشور دستخوش هرج و مرج داخلی شد و میان آشور بانی پال و برادرش که حاکم بابل بود خصومتی پیش آمد. (مجید زاده، ۱۳۸۶: ۳۲) تغییر پادشاهان باعث نشد تا ایلام در سیاست خود نسبت به آشور تغییر دهد تا ماریتو از بردار آشور بانی پال حمایت کرد و نابو- بل- شوماته را به دربار خود راه داد. او یکی از مخالفان شدید آشور بانی پال بود. بدین ترتیب آشور بانی پال هم حاکم بطایح را مأمور دستگیری او کرد. پادشاه ایلام هم سپاه خود را حرکت داد و تهدید کرد که نیپور را به تاراج خواهد برد. در این راستا هم آشور بانی پال کوشید تا سرداران خود را به ایلام بفرستد تا پیش دشتی کنند و حتی مردم پارسوماش هم به آشوربها قول دادند که از ایلام حمایت نخواهند کرد. ولی تاماریتو شدیداً از آنها درخواست کمک داشت. نابو- بل- شوماته که به داشتن پناهگاه در ایلام اطمینان داشت با استخدام

## بررسی سیر تحول فرهنگی و سیاسی ایلام از آغاز تا فروپاشی ۲۰۱

مزدورانی از قبایل آرامی هیلمو و بیلاتو به قصد حمله به بل-ابنی به بطایح رفت بل-ابنی هم چهار صد کمان دار به آن سوی خلیج فارس فرستاد تا گاوهای نر قبایل بیلاتو و هیلمو را به هلاکت رسانند. ولی شوماته در شهر هوپاپانو بدون دردرس زندگی می کرد. یک دسته از آشوریان تمام اموال شیخ بانانو در سرزمین ناهال را مصادره کردند و دسته دیگر در سرزمین تاکاتاپ ۱۳۰ اسیر گرفتند در این جنگ بالاخره سپاه بطایح به کمک آشوریان بر ایلامیها و سپاه شوماته پیروز شدند و بل-ابنی یکصد سر را همراه با ۴۰ چویدار به دربار آشور بانی پال فرستاد. (کامرون، ۱۳۸۱: ۱۴۹-۱۴۷) در همین دوران بود که تاماریتو به آشور پناهنده شد و ایند-بی-گش به جای او نشست. ولی طولی نکشید که او هم کشته شد. در این دوران هومبان هلتش سوم به تخت و تاج ایلام نشست. آشوریان در دوران او برای دفع شوماته به ایلام حمله ور شدند و هومبان هلتش به کوهستان فرار کرد و یکبار دیگر تاماریتو به جای او نشست. در این یورش آشوریها قسمت عمده ایلام را غارت کردند. وقتی که سپاه آشور به بین النهرین برگشت هومبان هلتش سوم دوباره به قدرت رسید و همین امر باعث شد که یکبار دیگر در سال ۶۴۶ ق.م آشور بانی پال به ایلام حمله کند و این بار هومبان هلتش سوم به چغازنبیل فرار کرد. سپاهیان آشور از شوش گذشتند و بر سر راه خود هر چه مواضع ایلامی بود نابود کردند و شهرها را به خاک و خون کشیدند البته فرمانروایان برخی ایالات با دادن خراج مانع فروپاشی شهرشان شدند. (مجید زاده، ۱۳۸۶: ۳۲) یکی از کسانی که به آشور باج داد و پسرش را به دربار آشور به عنوان گروگان فرستاد. پدر بزرگ کوروش بزرگ بود که در آن زمان شاه انشان بود. (پاتس، ۱۳۸۵: ۴۰۰) هومبان هلتش سوم شهر ویران مدکتو را به پایتختی برگزید و دست دوستی به سوی آشور بانی پال دراز کرد و به او پیشنهاد کرد که یکی از پسران شاه پیشین بابل مروداخ بکدن را برای جلب دوستی او به آشور تحویل دهد. هنگامی که در سال ۶۴۵ ق.م سرسپردگان آشور بانی پال به سردکردگی بل ایینی به ایلام آمدند تا قربانی را تحویل

گیرند. شاهزاده بابلی از ندیم خود خواسته بود که به زندگی او خاتمه دهد. سردار آشوری هم جسد او را در نمک پیچید و او را به نینوا برد. با این همه خدمت گذاری هومبان هلتش مجبور شد به علت هرج و مرج به شمال لرستان فرار کند. در این جا بود که جنگجویان ایلیی در سال ۶۴۴ ق.م او را دستگیر کردند و به آشور بانی پال تحویل دادند. در آشور هومبان هلتش مجبور شد به همراه پسر عموی خود تاماریتوی دوم و دیگر فرمانروایان اسیر اربه تشریفاتی شاه آشور را به معبد ایزد بانوی ایشتار بکشند. همین جا بود که آشور بانی پال جشن سال نو را برگزار می کرد. آشور بانی پال در راستای حمله خود به ایلام ذکر می کند. (هینز، ۱۳۸۶: ۱۸۰-۱۷۹) «من آرامگاه نخستین و آخرین پادشاهانی را که از آشور و ایشتار خدایان من نترسیده و پدرانم را به ستوه آورده بودند ویران و با خاک یکسان کردم و آنان را در معرض خورشید قرار دادم. استخوانهایشان را به آشور بردم. مردگانشان را دچار عذاب کردم. آنانرا از پیشکشی غذا و شراب به خدایان محروم نمودم. در مدت یکماه و بیست و پنج روز سفر، ایالات ایلام را ویران کردم و بر رویشان نمک و سیهلو (نوعی گیاه خاردار) پاشیدم. خاک (شوش - مداکتو و هلته مش) و دیگر شهرهایشان را در توبره کردم و به آشور بردم. سروصدای مردم صدای پای گاو و گوسفندان و فریادهای خوشحالی را از کشتزارهایشان دور ساختم. دستور دادم تا گورخر و غزال و انواع حیوانات وحشی و جانورهای صحرایی را به میانشان رها کنند تا در آن جا مثل خانه خودشان زیست کنند. (رو، ۱۳۸۱: ۳۶۹)

حزقیال درباره رفتار آشوریها بعد از فتح ایلام این چنین می گوید: «این است ایلام و تمام جمعیت آن در اطراف قبرهایشان، همگی کشته شدند و همه از دم شمشیر گذشتند» (افشار سیستانی، ۱۳۷۲: ۱۱۷)

خط و زبان ایلام باستان:

در نیمه دوم هزاره چهارم ق.م گسترش مهر و پیدایش خط به وضوح در شوش پیداست از

بررسی سیر تحول فرهنگی و سیاسی ایلام از آغاز تا فروپاشی ۲۰۳

پایان هزاره چهارم ق.م به ترتیب جدولهایی تنها با رقم سپس با علامتهای جداگانه دیگر و سرانجام با خط (نیای کتابت ایلامی) که هنوز خوانده نشده پدید آمده است گذشته از شوش در ایلام جاهای دیگری هم بودند که از آنها متنهای میخی بین النهرین و ایلامی یافت شده است مثل اووان و سیماش، در همین ایام در تل ملیان از اسناد ایلامی استفاده می‌شد و مهرهای استوانه‌ای کاربرد داشتند. موضوعی که می‌توان در اینجا به آن اشاره کرد این است که در انشان و شوش در آغاز هزاره سوم یک نظام اقتصادی پیچیده و بزرگ که متعلق به کاهنان و پادشاهان بود شکل گرفت که بیشتر در معابدی که دارای دبیران، مأموران و کاهنان بود وجود داشت. (ایوانف، ۱۳۵۹: ۳۸-۳۷) اساس الفبای آغاز ایلامی (*Proto-elamite*) یک سیستم بسیار پیچیده و پیشرفته را در دوران ایلام آغازین به ما نشان می‌دهد اگر چه به صورت غیر قابل انکاری از سیستم خط میخی ابتدایی بین النهرین الهام گرفته است ولی درجه بالایی در توسعه مستقل هر دو فهرست نمایش‌ها و ساختار متنی را ارائه می‌دهد. (Dahl, 2005: 1-15) اشغال تپه اصلی ملیان و تپه (*tuv*) در مرحله *Bansh* وجود لوحه‌های حکاکی شده تشخیص داده شده است چنین لوحه‌هایی توسعه معنا داری را در توانایی یک جامعه برای برخورد با علم آن زمان و اطلاعات روز نشان می‌دهد کتیبه‌های ملیان نشانه‌های عددی و تصویری را با هم دارا هستند و بخش گسترده‌ای از این الواح مربوط به هزاره چهارم ق.م می‌باشند این الواح در ملیان (*proto-elamite*) تاریخ گذاری شده‌اند. (Henem, 1981: 39-47) همچنین باید گفت اسنادی در ملیان به دست آمده است که تعدادی الواح را نشان می‌دهد که کاربرد اقتصادی دارند و بر روی آنها نام محل نوشته شده که همان انشان است ضمناً برای چندین فرمول اجرایی از تعدادی واژه ایلامی استفاده می‌کردند که هر کدام شکل و معنی خاص خود را داشت به نظر می‌رسد که محتوای آنها توضیحی برای شمارش اعداد و موضوع هزینه‌ها و پرداختها باشد. (Carter, 1976: 33-42) لوحه‌های آغاز ایلامی شناخته شده نشان می‌دهد که اکثر



لوحه‌های آغاز ایلامی (*proto-elamite*) در شوش تولید می شده است بدین صورت باید گفت که دشت شوشان مرکز اصلی شبکه تبادل آغاز ایلامی بوده است اگر چه سامنر (*sumner*) در سال ۱۹۶۸ بانس اولیه را پیشروی تمدن آغاز ایلامی معرفی کرده است. (Alizadeh, 2010:372-380) پس از رواج نحوه کتابت علائم خط میخی اکدی خطوط آغاز ایلامی تقریباً از بین رفته و متروک می گردد و به جز کتیبه نارام سین که با نحوه بومی خط ایلامی نگاشته شده تقریباً تمام مدارک و متون ایلامی باقی مانده تا قرن ۱۳ ق.م به طریق کتابت اکدی نوشته شده است. (Reiner, 1973:56-57) لوبرتون شیوه نگارش در دوره آغاز ایلامی را یکی از ویژگیهای اصلی تعیین کننده شوش Cb بیان کرده و اعتقاد دارد که این شیوه نگارش احتمالاً تا دوره شوش D به کار رفته است. (هول، ۱۳۸۶:۳۱۸) این خط که همزمان با دوره اوروک III در حدود ۲۹۰۰ ق.م پدیدار شد به سرعت گسترش یافت و ما آن را حتی در شمال شرق ایلام یعنی کاشان (سیلک) می بینیم این خط را ایلامی مقدم می نامند و در آن هر تصویر معادل یک کلمه می باشد لازم به ذکر است که این خط تاکنون خوانده نشده و فقط مخصوص متون اقتصادی بوده است. (هینز، ۱۳۸۶:۳۷) بعد از آن خطی در ایلام به وجود آمد که به خط مخطط معروف گشت که صرفاً برای مقاصد اقتصادی نبود و مقاصد سیاسی و تاریخی را هم در بر داشت همه نوشته ها که به خط مخطط ایلامی بر روی سنگ باقی مانده است متعلق به کوتیک اینشوشیناک است که در سال ۲۲۵۰ ق.م برای ایلام حکومت می کرد. او نگارش جدیدی را بنیان نهاد که برای ثبت زبان ایلامی کاربرد داشت و تا کویر لوت گسترش پیدا کرد (سلیمی، ۱۳۳۲:۴۹) همچنین برای آخرین بار در دوره او بود که خط هیروگلیف ایلامی به کار برده شد. (دیاکونوف، ۱۳۸۲:۴۰) ایلامیان برای یادداشت کردن و محاسبه اجناس همچون سومریان مهرهای استوانه‌ای شکل به کار می بردند آنها این طریقه را به خصوص برای الواح اتخاذ کرده بودند آنها استوانه های کوچکی را که نوشته اش به صورت مقعر حک شده بود

بررسی سیر تحول فرهنگی و سیاسی ایلام از آغاز تا فروپاشی ۲۰۵

بر روی لوح می گردانیدند تا اثر خط بر روی آن نقش بندد این الواح به منزله کاغذهای تمبر خورده امروزی بود و هنگامی که منشی آن را به بسته ای می بست جنبه رسمی می گرفت و مسلم بود که تقلبی نیست. (راد، ۱۳۷۴: ۳۶) ایلامیها در سده ۲۴ و ۲۵ ق.م خط میخی ایلامی را که گویا از سومریان اقتباس کرده بودند به وجود آوردند که کتیبه لیان از این نمونه است. البته ایلامیها شاید خط را از سومریها گرفته باشند ولی آن را ساده تر کردند و به خواست خود پیش رفتند تا به حد الفبا رسیده اند در خطوط ایلامی که از چپ به راست نوشته می شود قبل از نامهای خاص یک علامت یا نشانه می آید که به آن در اصطلاح معین می گویند. (هینز، ۱۳۸۶: ۴۷-۴۶) باید گفت که خط میخی ایلامی کاملاً مجزا از خط میخی بابلی بوده و نگارش خاص خودش را داشته و با دانستن خط بابلی نمی توان خط ایلامی را خواند این خط که تا سالها بعد از انقراض ایلامیها یکی از ارکانهای مهم در ساختار حکومت هخامنشی بود و هر جا که کتیبه ای به زبان پارسی باستان نوشته می شد خط ایلامی هم در کنار آن خودنمایی می کرد که خود نشان از گستره این خط و محبوبیت آن در روزگاران کهن است که حتی با انقراض ایلامیها خط آنها به نابودی نگرایید. درباره زبان مردم ایلام هم می توان گفت که قدیمیترین زبان نزد ایلامیها زبان انزانی است که به نقل از ژاک دموورگان در ۳۰۰۰ سال پیش از بین رفته است و جای خود را به زبان سومری داده است ولی یکدفعه در ۱۵۰۰ ق.م دوباره زبان انزانی متداول شده است پس نتیجه می گیریم که زبان انزانی زبان رسمی ساکنان ایلام بوده و فقط با زیر سلطه رفتن آنها در دورانی مشخص کتیبه ها به زبان سومری واکدی نوشته شده است به نظر پرشیل زبان انزانی با زبان مردمان ساکن اورال و آلتایی هم خانواده بوده است. (پیرنیاو آشتیانی، ۱۳۸۲: ۳۱)

هنر ایلام باستان:

در عصری که پیامد فروپاشی تمدن اوروک در دشت شوش بود شاهد گسترش فرهنگی

هستیم که با وجود تشابهات ظاهری با تمدن بین‌النهرین با آن در تضاد بود. این تقابل به خوبی در شیوه نگارش غیر سومری و نیز در هنری که از نقطه نظر سبک و مضامین خود با سومر متفاوت بود مشهود است. (آمیة، ۱۳۸۹: ۶۳) آثار هنری ایلام در هزاره سوم ق.م عمداً در آثار مهر سازان بر جا مانده است آنها هر چه را که از هزاره چهارم ق.م برای آنها برجا مانده بود به خوبی از آن استفاده کردند. ایلامیان در هزاره سوم ق.م با بهره گیری از قوه تخیل خود که بر روی طبیعت آدمی تمایل داشت توانستند هنر ایلام را به کمال برسانند آنها با بهره گیری از این قوه تخیل حیوانات اسطوره ای مانند شیر و دال را طراحی کردند (شیری بالدار با سر و چنگال یک پرند شکاری) لازم به ذکر است بگوئیم این هنر خاص ایلامیان بوده و تا مصر نفوذ کرده است همچنین باید گفت که نقش های ساده طبیعت گرای هزاره چهارم در هزاره سوم ق.م جای خود را به توصیف قدرت‌هایی که بر حوادث جهان و طبیعت حاکمند می‌دهند مانند گاو ایستاده ای که دو شیر نشسته را مهار کرده اند و در نقش دیگری شیری ایستاده جلوی فرار دو گاو را که روی پا ایستاده اند می‌گیرد یکی دیگر از آثار هنری که خاص ذهنیت ایلامیان در هزاره سوم ق.م می‌باشد ظرفهای کوچکی از مرمر سفید شفاف است که استادانه ساخته شده است که در کنار سنگ بنایی در شوش یافت شده است بر این ظروف اغلب جانورانی نقش شده اند که تصاویرشان غالباً با چاشنی طنز آمیخته شده است، مانند کبوتری سبک زده که با چشمان گرد بزرگش خاموش به جهان می‌نگرد و گویی چیزی از او طلب می‌کند. (هینز، ۱۳۸۶: ۱۸۸-۱۸۵ آثار مهرهای ایلامی هزاره سوم ق.م اطلاعات با ارزشی از شیوه های گوناگون زندگی مردم در آن زمان را در اختیار ما قرار می‌دهد در شهرها فعالیت چشم گیر است کارگران در حالی که گروهی از مردم در یک مراسم دسته جمعی از جلو آنها می‌گذرند با ابزار خود در حال کار کردن هستند، در کارگاه کوزه گری مردان روی یک کوزه سنگی کار می‌کنند و یک نفر دسته های کوزه را صیقل می‌دهد و چند نفر صفحه های فلزی را با ساییدن به یکدیگر

بررسی سیر تحول فرهنگی و سیاسی ایلام از آغاز تا فروپاشی ۲۰۷

براق می سازند. (مجید زاده، ۱۳۸۶: ۶۶) در حدود سال ۱۷۰۰ ق.م مردم ایلام به حالت نیمه چادر نشینی برگشتند و فرهنگ ایلامی که در سرتاسر فلات گسترش یافته بود فرو ریخت و در این ایلام بود که هنر در بحران عظیمی غوطه ور شد، تا اینکه این تمدن کهن یکبار دیگر در قرن ۱۵ ق.م در هفت تپه (کابناک) توسط تپتی اهر به اوج خود رسید. او در آنجا یک معبد تدفینی بزرگ برای خودش بنا کرد که مکان عبادت بر بالای دو مقبره بزرگ احداث شد همچنین در شوش ساکنان معمولی نیز در سردابها (طاق یا گنبدی دفن می شدند) این مقبرها در زیر زمین خانه هایشان بود سردیس های پخته شده از خاک رس نزدیک سرهای مردگان نشانه طبیعت گرایی شدیدی است که در هنر خاور نزدیک بی نظیر می باشد. یکی دیگر از شاهکارهای هنری مردم ایلام ساخت عبادتگاهی است که بعدها چغازنبیل نام گرفت این مکان که برای خدای اینشوشیناک ساخته شده بود وقف آن شده و دارای چندین اتاق و ۲ حرم بود. موعظه های دینی احتمالاً در محوطه حیاط و در هوای آزاد خوانده می شد. درون یک چهار دیواری معبد خدایان وجود داشت و معابد دیگر درون چهار دیواری دوم قرار می گرفتند و دیوار سوم دور تا دور شهر را فرا می گرفت که یک اقامتگاه سلطنتی را دربرداشت درون این اقامتگاه سلطنتی چند کوشک یا کاخ وجود داشت که اطراف حیاط بزرگ بدون هیچ ترتیبی قرار گرفته بودند یکی از این کاخها معبدی بود که برای برگزاری آئین تدفین ساخته شده بود این آرامگاهها به صورت سردابه هایی بودند که باقی مانده خاندان سلطنتی بعد از خاکستر شدن درون آنها نگهداری می شد این گونه آئینها در بین هیتی ها و میتانی ها رسم بود البته شاید هم رسمی بود برگرفته از هندیان باستان، (HARPER, 1992:1-15) در ملیان (انشان باستان) دیگر پایتخت ایلامیان در این دوره (ایلام میانه) جامهای شراب ساده بلندبه سبک شوش به دست آمده یافته های کوچک بیشماری هم از دوران بابلیان قدیم و لوحه های UR می باشند دو مورد سمبل مانند گوساله، ماهی. که به صورت استوانه یافت شده است و عالیترین مفهوم ارائه شده

منظره‌ای است از ماری نشسته و ماری ایستاده با سر انسان، از آثار دیگر می‌توان از طرح‌های هندسی یا مناظری از اشکال انسانی با حیوانی را نشان داد و همچنین مجسمه‌های کوچک زنانه در چرم زرد یا اغلب قرمز که به صورت دست ساز ساخته شده‌اند و در یک قالب روباز عادی هستند این گونه تندیسها صورت‌های تکیده دارند و نوعی عمامه پوشیده‌اند و بازوهایشان را تا کرده و دستها را روی سینه‌ها قرار داده‌اند. (Sumner, 1968: 288-290) یکی دیگر از آثار می‌توان به آن اشاره کرد سه پیکره وقفی از جنس بدل چینی است که جزء اشیاء تدفینی است که در منطقه معبد اینشوشیناک در دوران ایلام میانه به دست آمده است. گیسوان این زنان نیایشگر به شیوه ایلامیها به خوبی آرایش شده است یکی از آنها به حالت احترام به خدایان دست راست خود را بالا برده است و انگشت شهادت را نشان می‌دهد دو زن دیگر هر یک در دست خود کبوتری دارند این پیکرها بسیار ساده و به شکل استوانه می‌باشند. در پایان باید در نظر داشت که هنر ایلام در دوران ایلام میانه به بیشترین اوج و شکوفایی خود رسید این روند در دوران ایلام جدید تا حدودی ادامه داشت تا اینکه درگیر شدن ایلام در جنگهای داخلی و خارجی کم‌کم هنری را که در سایه آرامش دوران عظمت ایلام شکل گرفته بود روبه سردی برد و دیگر آن شکوه و جلال هنری دوران ایلام میانه تکرار نشد هنر ایلام هم همانند خط و زبان آنها بعدها در امپراطوری هخامنشی ادغام شد و هنری بومی و ملی را به وجود آورد. (مجید زاده، ۱۳۸۶: ۸۳)

نتیجه‌گیری:

از تمدن ایلام می‌توان به عنوان نخستین تمدن پویای ایران نام برد. تمدنی که در طول حیات خود چه از نظر فرهنگی و چه از نظر سیاسی توانست نامی پر افتخار را برای این سرزمین جاویدان ماندگار سازد. ایلام باستان از آنجایی که با تمدن غنی بین‌النهرین همسایه بود به دلایل مختلف از جمله اقتصادی و سیاسی با این تمدن در تقابل بود.

مردمان ایلام در راه اعتلای سرزمین خود همیشه تلاشی وافر را به معرض نمایش قرار دادند. آنها دردورانه‌های اولیه سلسله‌های خود تقریباً زیر نفوذ تمدن میان رودان بودند ولی این باعث نشد که مردمان این سرزمین دست از تلاش برای استقلال بردارند تا اینکه در دوران ایلام میانه اوج قدرت خود را به رخ حریف کشاندند و در پاره‌ای از مواقع سرزمین خود را تا کرکوک در دوران شیلهاگ این شوشیناک گسترش دادند و نه تنها خود را از زیر سیطره حکومت‌های بین‌النهرین نجات دادند بلکه توانستند قدرت آنها را زیر چتر خود قرار دهند مردمان ایلام همچنین در هنر و فرهنگ به حدی به کمال رسیدند که بسیاری از شاهکارهای معماری که در دوران ایلام میانه خلق شد زائیده فکر و خلاقیت آنها بود. از شهرهای مهم این تمدن که در راه اعتلای فرهنگ و تمدن این سرزمین نقش عمده داشتند می‌توان به شوش، ملیان، اوان، سیماش و چغازنبیل نام برد که در طول دوران حیات این تمدن بنابر شرایط سیاسی جابه‌جا می‌شدند. مثلاً در دورانی که اوان به عنوان مرکز سیاسی بنابر حملات مکرر سپاهیان بین‌النهرین ناامن شده بود سلسله دوم ایلام پایتخت را از اوان به سیماش شاید جایی در شرق جابه‌جا کرد. ولی تنها شهری که در دوران حیات ایلام همیشه به عنوان مرکز اصلی حکومت و شهر مقدس آنها به شمار می‌رفت شوش بود جایی که تا غروب این تمدن همیشه نقش مرکز اصلی و پایتخت را بازی می‌کرد و با وجود حملات مکرر از غرب از زیر ویرانه‌ها و چوبه‌های سوخته سر بلند می‌کرد این شهر آنچنان مقدس بود که در زمان پادشاهی هخامنشیان هم به عنوان پایتخت زمستانی شاهان این سلسله مورد توجه بوده است. تمدن ایلام بالاخره با تمام فراز و نشیب‌هایی که در طول دوران پر عظمت خویش داشت در سال ۶۴۰ ق.م یا به گفته‌ای ۶۴۴ ق.م به کلی توسط سپاهیان آشوری به طرز وحشیانه‌ای منقرض شد و جای خود را در سالهای بعد به هخامنشیان داد تا آنها از کیان سرزمین ایران دفاع کنند. البته ایلامیان بعد از انقراض در گوشه و کنار سرزمین خود حکومت‌های کوچکی زیر لوای حکومت هخامنشیان تشکیل دادند. ولی هیچ وقت دیگر نتوانستند به عنوان حکومتی قدرتمند در سطح منطقه قد علم کنند.

### منابع و مآخذ

- ۱- استوم، ژ، و فرانسوا والا، سلسله ایکهالکی ها، ترجمه آ. تال بلاغی (همپارتیان) مجله اثر، شماره ۱۷، ۱۳۶۹.
- ۲- افشار سیستانی، ایرج، ایلام و تمدن دیرینه آن، چاپ اول، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۲.
- ۳- افشار سیستانی، ایرج، نگاهی به خوزستان (مجموعه ای از اوضاع تاریخی، جغرافیایی، اجتماعی، اقتصادی منطقه) چاپ دوم، تهران، انتشارات بلور، ۱۳۶۹.
- ۴- آمیه، پیر، شوش شش هزار ساله، ترجمه علی موسوی، چاپ اول، تهران، فرزاد، ۱۳۸۹.
- ۵- انجمن ایرانشناسی فرانسه در ایران و سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران، ۱۳۸۰.
- ۶- ایوانف، م. ب. آ. گرانفسکی وداندا مایف، تاریخ ایران باستان، مترجمان سیروس ایزدی و حسین تحویلی، چاپ اول، تهران، انتشارات دنیا، ۱۳۵۹.
- ۷- پاتس، دنیل تی، باستان شناسی ایلام، ترجمه زهرا باستی، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۵.
- ۸- پیرنیا، حسن و عباس اقبال آشتیانی، تاریخ ایران از آغاز تا انقراض ساسانیان از صدر اسلام تا انقراض قاجاریه، چاپ دوم، تهران، انتشارات بهزاد، ۱۳۸۲.
- ۹- تقی زاده، محمد، شوشتر در گذر تاریخ (از عهد باستان تا انقلاب اسلامی)، چاپ سوم، تهران، بشیر علم و ادب، ۱۳۸۱.
- ۱۰- جوزی، زهره، مذهب ایلام با نگرش بر مهرهای استوانه ای، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۲.
- ۱۱- دیاکونوف، میخائیل، تاریخ ایران باستان، ترجمه روحی ارباب، چاپ سوم، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲.
- ۱۲- راد، ناصر، تاریخ سرزمین ایلام (از روزگار باستان تا انقراض حکومت والیان لرستان و ایلام)، چاپ اول، تهران، انتشارات ارغنون، ۱۳۷۴.
- ۱۳- رو، ژورژ، سرگذشت عراق باستان، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، چاپ دوم،

بررسی سیر تحول فرهنگی و سیاسی ایلام از آغاز تا فروپاشی ۲۱۱

تهران، ۱۳۸۱.

۱۴- سلیمی، علی اکبر، گزارش دو ماهه ملی یونسکو در ایران، جلد پنجم، تهران، شماره ۴۳ مرکز علمی یونسکو، ۱۳۳۲.

۱۵- سید سجادی، سید منصور، نخستین شهرهای فلات ایران، جلد دوم، چاپ دوم، تهران، سمت، ۱۳۸۷.

۱۶- صراف، محمد رحیم، تقوش برجسته ایلامی، تهران، چاپ اول، انتشارات سمت، ۱۳۸۷.

۱۷- کابلی، میرعبادین، شوش میراث باستانی دشت شوشان، مجله میراث فرهنگی، ویژه نام نخستین گردهمایی باستان شناسی ایران، شماره دوازدهم، تابستان و پاییز ۱۳۷۳.

۱۸- کارتر، الیزابت، بنای ایلام میانی در انشان (تل ملیان)، مجله باستان شناسی و تاریخ، تهران، سال هفتم، شماره اول و دوم، شماره پیاپی ۱۴ و ۱۳ به یاد بود هلن جی کنتور ۱۳۷۲.

۱۹- کامرون، جورج گلن، ایران در سپیده دم تاریخ، ترجمه حسن انوشه، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۸۱.

۲۰- گیرشمن، رومن، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، چاپ پانزدهم، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۸۳.

۲۱- لافتوس، ویلیام کنت، سفرنامه پژوهشی سرهنگ لافتوس: نخستین کاوشگر شوش، ترجمه عباس امام، تهران، نشر شادگان، ۱۳۸۴.

۲۲- لسترنج، جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، چاپ چهارم، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۷۳.

۲۳- ماری کنخ، هاید، از اونتاش گال تا یزدگرد، ترجمه رضا پرهیزکار، چاپ اول، تهران، انتشارات مانع، ۱۳۷۹.

۲۴- مجید زاده، یوسف، آغاز شهرنشینی در ایران، چاپ اول، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۶.

۲۵- مجید زاده، یوسف، تاریخ و تمدن ایلام، چاپ دوم، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۶.

۲۶- ملکزاده، مهرداد، غرب و جنوب غرب ایران در پگاه تاریخ، نخستین گردهمایی - باستان شناسی ایران، شماره دوازدهم تابستان و پاییز ۱۳۷۳.



۲۱۲ پژوهش های علوم انسانی، سال چهارم، شماره ۲۰

۲۷- مهر آفرین، رضا، بررسی نشانه های تمدن نقوش حیوانی بر روی مهرهای استوانه ای ایلام، پایان نامه کارشناسی ارشد باستان شناسی، تهران، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۵.

۲۶- نگهبان، عزت الله، حفاری هفت تپه دشت خوزستان، تهران، انتشارات میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۲.

۲۷- هول، فرانک و گرگوری، ا. جانسون و هنری. ت. رایت و ....، باستان شناسی غرب ایران، ترجمه زهرا باستی، چاپ سوم، تهران، ۱۳۸۶.

۲۸- هینز، والتر، شهریاری ایلام، ترجمه پرویز رجیبی، چاپ اول، تهران، نشر ماهی، ۱۳۸۶.

۲۹- والا، فرانسوا، خلاصه ای از عوامل جغرافیایی ایلام، زیر نظر ژان پرو و ژنویو دلفوس، شوش و جنوب غربی ایران، ترجمه هایده اقبال، چاپ اول، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۶.

۳۰- والا، فرانسوا، شوش و ایلام، ترجمه آ. همپارتیان، مجله میراث فرهنگی ویژه نخستین گردهمایی باستان شناسی ایران، شماره دوازدهم تابستان و پاییز ۱۳۷۳.

31-Alizadeh, A , the Rise of the Highland Elamite state in south western iran, 2010.

32-Barton,G.A, the royal inscriptions of summer and akkad, new haven, 1929.

33-Cameron, G.G, history of early iran , Chicago, 1936.

34-Carter, E, and M.stolper , middle Elamite malyan,univchicago,1976 .

35-Carter,E, Eelam in the second millennium B.C , the Archaeological ph d,jissertation, university of Chicago, 1971.

36-Dahl, jacobl, complex graphemes in proto-elamite,centernational de larecherche scientiflque,paris,2005.

37-Edzard,D.O, die zweite zwishenzeit , babyloniens Wiesbaden,1957 Jacobsen ,Th,the samerian king list, chicago, 1939.

38-HARPER, P.O,J.Aruz,and f. tallon, the royal city of susa, the metropolitan museum of art , new york 1992.

39-Hinz,w, persiac 2400-1800 B.C,C.A.H,V.1,Chapter XXIII Cambridge univ.Press , 1963 .

40-Koing ,f.w."Die Elamischen konigsinschriften , Archirefur orient forschung , 1925.

41-Labat,R, elam,1600-1200 B.C , cambrige university prees,vol.2 chapter29,1963.

بررسی سیر تحول فرهنگی و سیاسی ایلام از آغاز تا فروپاشی ۲۱۳

42-Nicholas, Ilenem.,investigatingan ancient suburb,excavations at the tuv mound tal-emalyan.IRAN,spring 1981.

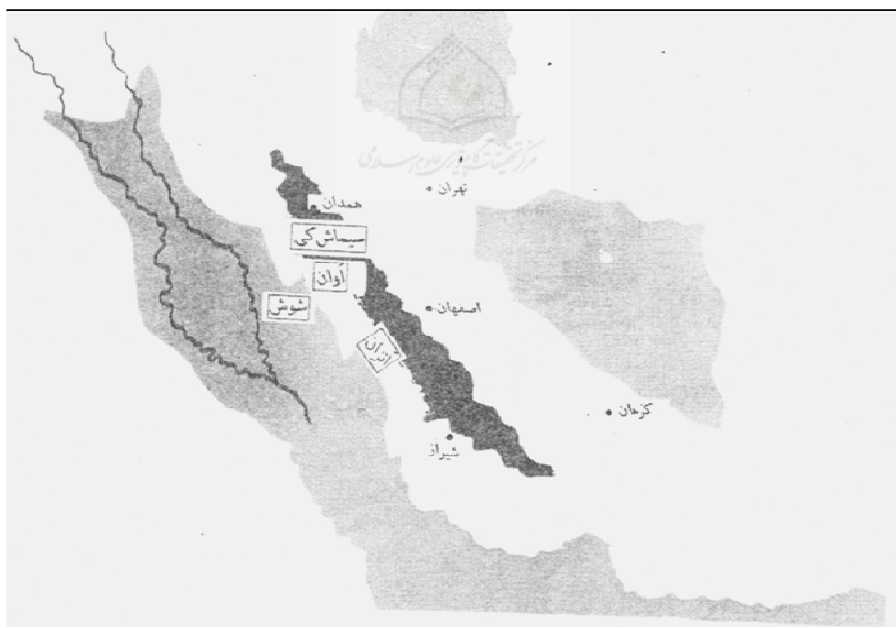
43-Olmsted, A,T, History of Persian empire,Chicago,univ,1959.

44-POTTS, D.T,ANOTE On the limits of anshan, university of Sydney, 2011 .

45-Reiner, E, (Inscription from a Royal Elamite tomp. Archiv fur orienforschung. Band XXIV,1973.

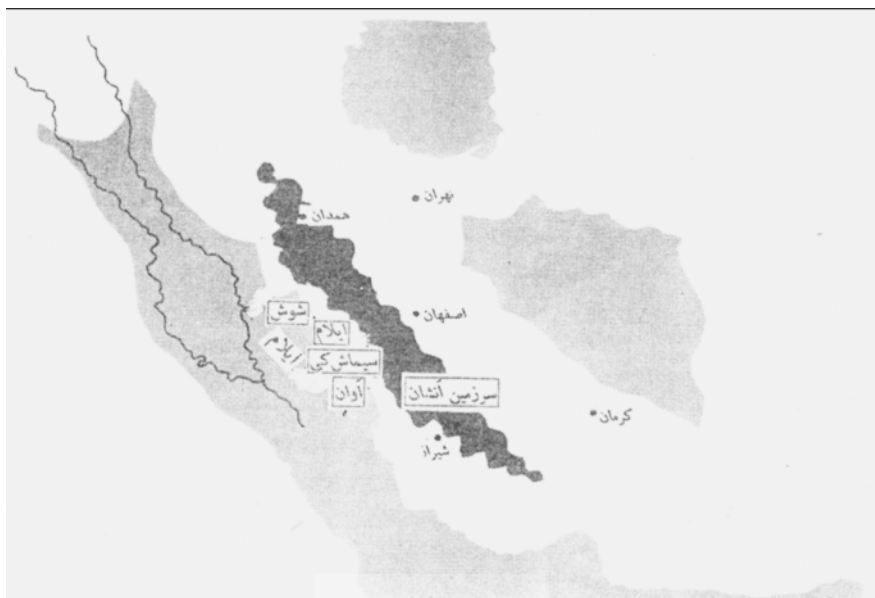
46-Scheil ,v, Dynasties elamites d'awan eted simas, revued' assyriologie,1931.

47-Sumner, W.M , tall-i-malyan and the chronology of the kur river basin , iran , 1968.



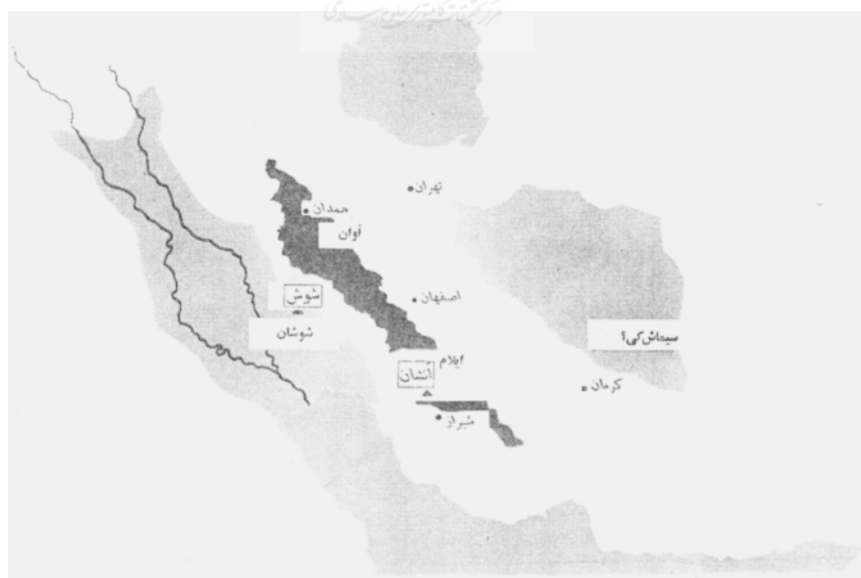
(تصویر ۱): ایالت‌های ایلام بنا بر نظر والتر هینز

(فرانسوا والا ، ۱۳۷۳)



(تصویر ۲): ایالت‌های ایلام بنا بر نظر پیرآمیه

(فرانسوا والا، ۱۳۷۳)



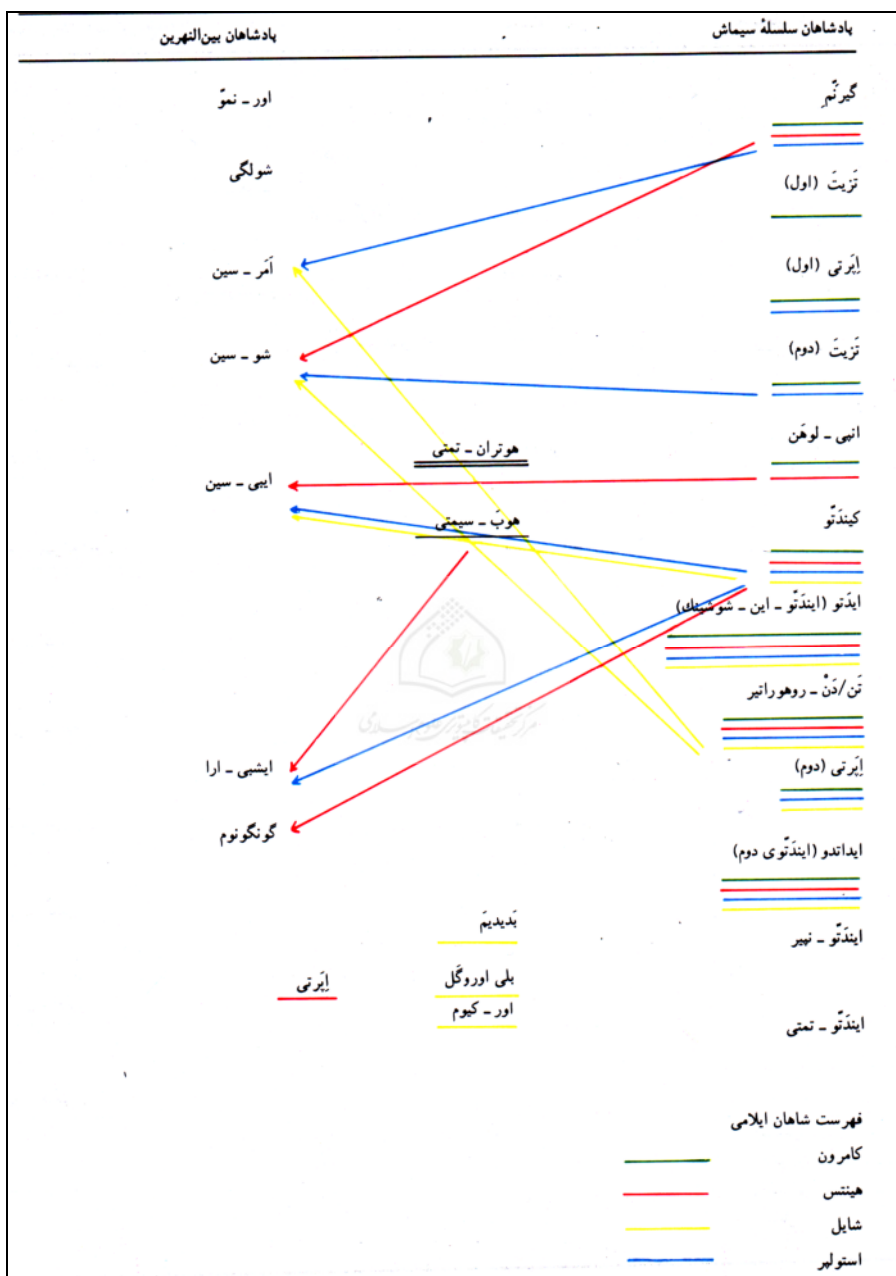
(تصویر ۳): مکان یابی سرزمین‌های ایلامی

(فرانسوا والا، ۱۳۷۳)



(تصویر ۴): جدول مقایسه‌ای پادشاهان دوران ایلام قدیم (آوان)

(مجید زاده، ۱۳۸۶)



(تصویر ۵): جدول مقایسه ای پادشاهان دوران ایلام قدیم (سیماش)

(مجید زاده، ۱۳۸۶)

بررسی سیر تحول فرهنگی و سیاسی ایلام از آغاز تا فروپاشی ۲۱۷

سوکل مخ	نابیا السلطنه (سوکل ایلام و سیماش)	شاهزاده شوش (سوکل شوش)
ایرعی		شیلَهه
شیلَهه	شیر و کدوه اول	آت - هوشو (شیموت - ورتش)
شیر و کدوه اول	شیموت - ورتش	خواهر شیلَهه (مرد)
شیر و کدوه اول	شیموت - ورتش	سیو - پلر - هویک
شیموت - ورتش	سیو - پلر - هویک	کودوزولوش اول
سیو - پلر - هویک	کودوزولوش اول	شولیم - کوتور (مرد) (کوتیر - نهوتته)
کودوزولوش اول	کوتیر - نهوتته	کوتیر - نهوتته
کوتیر - نهوتته	لیل - ایر - نش (نت آت - پز - هَلکی)	تمنی - اگون (آد - هوشو)
لیل - ایر - نش	تمنی - اگون	تمنی - اگون (کوتیر - شیلَهه)
تمنی - اگون	تن / دن - اولی (کوتیر - شیلَهه)	کوک - نشور اول (مرد)
تن / دن - اولی	تمنی - هَلکی (کوتیر - نشور اول)	تمنی - هَلکی (شیرتوه)
تن / دن	کوری گوگو (مرد)	کوک - نشور دوم
تمنی - هَلکی (کوک - نشور اول)	(تمنی - ورتش)	کوک - نشور دوم (تمنی - ورتش)
(کوک - نشور اول)	کوتیر - شیلَهه اول (کودوزولوش دوم)	(کودوزولوش دوم)
کوک - نشور دوم (تمنی - ورتش)	کوتیر - شیلَهه اول	کودوزولوش دوم (تن / دن - اولی)
کوک - نشور دوم		تمنی - ورتش
تمنی - ورتش (کودوزولوش دوم)	(تن / دن - اولی)	کودوزولوش سوم (تمنی - هَلکی)
کودوزولوش سوم (تن / دن - اولی)	(تمنی - هَلکی)	کوک - نشور دوم
نت (تمنی - هَلکی)	آت - پز - هَلکی (کوک - نشور دوم)	تمنی - اگون دوم
آت - پز - هَلکی	(پل - ایشن)	تمنی - اگون دوم (کوک - کیروش)
پلر - ایشن	لنکو کو	کوکو - سنیت (مرد) (یم - سنیت)
پلر - ایشن	لنکو کو	(کوک - کیروش)
کوک - کیروش		کوک - نهوتته
کوک - کیروش	کوک - نهوتته	یم - سنیت (کوک - نشور دوم)
کوک - نهوتته		کوک - نشور چهارم
کوتیر - نهوتته دوم		کوتیر - شیلَهه دوم

کامرون  
هیننس

(تصویر ۶): جدول مقایسه‌ای پادشاهان دوران ایلام قدیم (سوکل مخ ها)

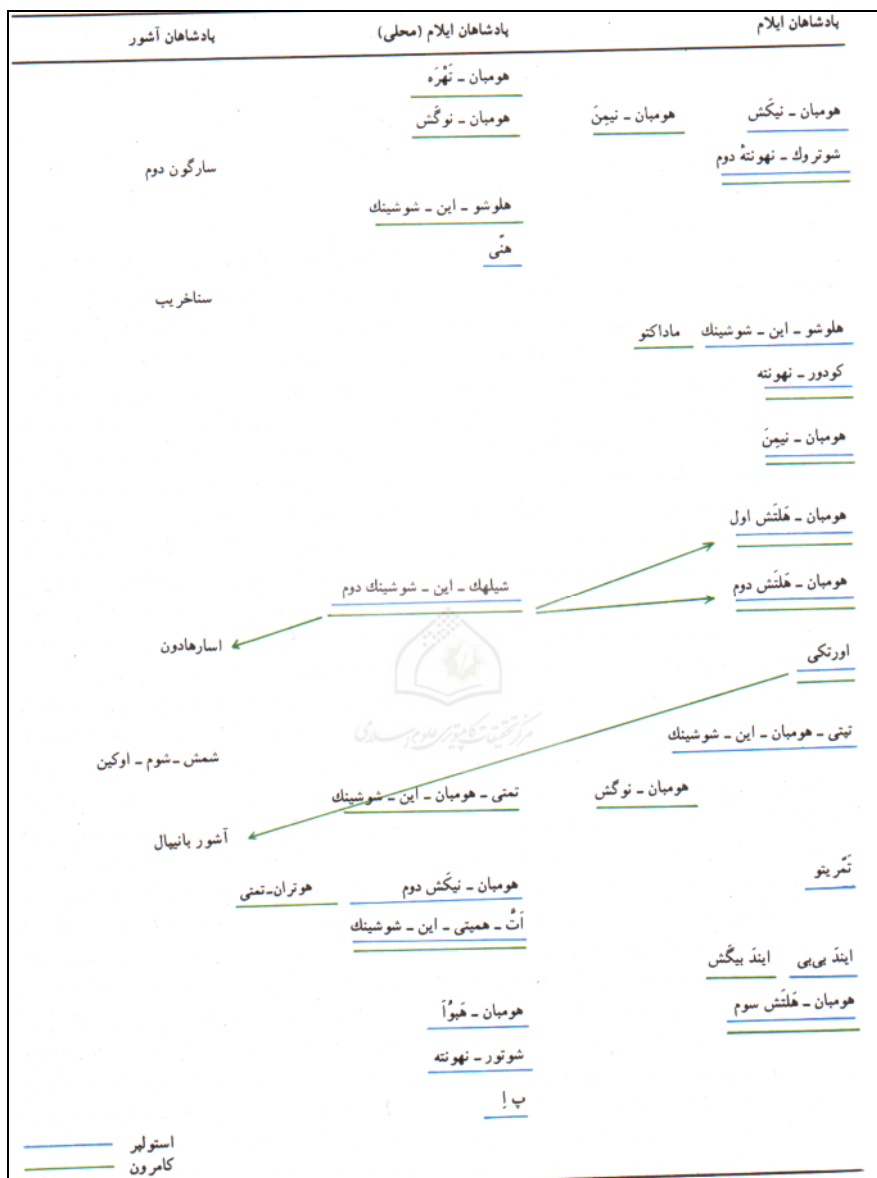
(مجید زاده، ۱۳۸۶)

پادشاهان ایلام	ایلام میانی قدیم	پادشاهان بابل	پادشاهان آشور
کیدینو			
این - شوشینک - شر - ایلاتی			
تن / دن - روهوراتیر دوم			
تنی - اهر		کیدشمن - انلیل اول	
هوریتیل		کوری گلزوی دوم	
ایک - هلکی	ایر - هلکی		
بهر - ایشن			
آتر - کینه			
هومیان - نوین		کودور - انلیل	
اوتنش - گل		کنشی لیش چهارم	
اوتیر - گل		توکوشی - نینورتای اول	
کیدین - هوتران	هوریتیل	انلیل - نادین - شومی	
هلوتوش - این - شوشینک	کیدین - هوتروتنش	ادد - شوم - ایدین	
شوتروک - نهوتنه		زیتب - شوم - ایدین	آشور - دان اول
کوتیر - نهوتنه		انلیل - نادین - آخ	
شیلهک - این - شوشینک			
هوتلوتوش - این - شوشینک		نیوکدنزار اول	
شیلهین - همرو - لکتر			

— لاها  
— کامرون  
— استولیر  
— شایل

(تصویر ۷) : جدول مقایسه‌ای پادشاهان دوران ایلام میانه

(مجید زاده، ۱۳۸۶)



(تصویر ۸): جدول مقایسه‌ای پادشاهان دوران ایلام جدید

(مجید زاده، ۱۳۸۶)



